



آستانه جنگ جهانی

بیش از دوماه از حمله نظامی و اشغال‌گرانه دولت امپریالیستی روسیه به خاک اوکراین می‌گذرد. در هفتاد و پنجمین روز پس از آغاز جنگ امپریالیستی اوکراین، هیچ نشانی از توقف یا پایان آن به چشم نمی‌خورد. جنگ خانمان‌سوز امپریالیسم روسیه و بلوک امپریالیستی آمریکا و اروپا در اوکراین با همان شدت و حدت روزهای نخست ادامه یافته و به مراحل خطرناکتری رسیده است. تحریم‌های گسترده‌ای که از سوی اروپا و ارباب آن آمریکا علیه روسیه و برای به‌زانو درآوردن این کشور به اجرا گذاشته شده نیز جز اینکه بحران موجود را تشدید نموده و عواقب وخیمی به‌ویژه برای مردم کشورهای اروپایی و نیز سایر کشورها به بار آورده، تأثیری روی توقف یا حتی کاهش شدت جنگ نداشته است.

یکی از این موارد تحریمی، نفت و گاز روسیه است. اتحادیه اروپا در ادامه دنباله‌روی از سیاست‌های دولت آمریکا، خرید نفت و گاز از روسیه را کاهش داده و در نظر دارد در یک بازه زمانی شش‌ماهه، خرید نفت از روسیه را به صفر برساند. اگرچه در این زمینه اختلافاتی میان کشورهای اروپایی وجود دارد و مجارستان، اسلواکی، بلغارستان و جمهوری چک مشکلاتی دارند و هنوز توافق جمعی به‌طور کامل میان ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا حاصل نشده است، اما اتحادیه اروپا بر اجرای این سیاست اصرار دارد. "جوزپ بورل" دبیرکل ارشد اتحادیه اروپا روز جمعه ۱۶ اردیبهشت گفت اگر تا آخر هفته توافق حاصل نشود، هفته آینده نشست فوق‌العاده وزرای خارجه اتحادیه اروپا را فرا خواهد خواند. این درحالی‌ست که به اعتراف "کادری سیمسون" کمیسر انرژی اتحادیه اروپا، این اتحادیه نمی‌تواند ۱۵۵ میلیارد مترمکعب (در سال) گاز روسیه را با تأمین از منابع دیگری جبران کند. جنگ اوکراین و تحریم‌ها از جمله تحریم نفت و گاز روسیه، تا همین لحظه تأثیرات مخربی بر اقتصاد اروپا و مهم‌تر از آن بر وضعیت زندگی مردم برجای گذاشته است. نرخ رشد اقتصادی در تمام کشورهای اروپایی کاهش و قیمت‌ها افزایش یافته است. مرکز آمار اتحادیه اروپا "یورستاد" در گزارشی اعلام کرد؛ رشد اقتصادی در منطقه یورو در سه‌ماهه اول سال نسبت به سه ماه قبل از آن بیش از ۲ / ۰ درصد کاهش یافته است. در فرانسه نرخ رشد به صفر و در ایتالیا به منفی ۲ / ۰ درصد رسیده است. نرخ

در صفحه ۲

آزادسازی قیمت آرد و نان و موج نوین تورم افسارگسیخته

باقی‌مانده بود، نان خشک‌وخالی، ماکارونی و احياناً تخم‌مرغ برای تأمین مواد غذایی بود. اکنون دولت تصمیم گرفته است آن‌ها را نیز از سفره توده‌های کارگر و زحمتکشی که دستمزد و حقوق آن‌ها تقریباً یک‌چهارم خط فقر است جمع کند.

یازدهم اردیبهشت‌ماه، ادارات کل غله و خدمات بازرگانی در استان‌ها طی نامه‌ای به انجمن در صفحه ۳

مادام که اعتراض مؤثری از جانب توده‌های وسیع مردم نسبت به افزایش پی‌درپی قیمت‌ها از سوی دولت و سرمایه‌داران رخ ندهد، آن‌ها با خیال راحت قیمت‌ها را افزایش می‌دهند، روزبه‌روز شرایط معیشت مردم زحمتکش وخیم‌تر می‌شود و باز هم بیشتر به اعماق فقر فرو می‌روند. گوشت قرمز، ماهی و حتی مرغ و بسیاری از غذاهای دیگر را از سفره مردم فقیر و زحمتکش جمع کردند و آنچه برای آن‌ها

مبارزه ادامه دارد، مستحکم‌تر و متحدتر

یکی از ویژگی‌های اول ماه مه امسال، تجمع سراسری معلمان در اعتراض به عدم رسیدگی به خواست‌های‌شان در بیش از پنجاه شهر در ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) روز جهانی کارگر بود که ضرورت و اهمیت اتحاد معلمان و سایر زحمتکشان با طبقه کارگر و خواست‌های مشترکشان را در عمل به نمایش گذاشت. جدا از آن‌که گروهی از معلمان خود بخشی از طبقه کارگر محسوب می‌شوند، واقعیت این است که رهایی معلمان و دیگر زحمتکشان جامعه و تحقق خواست‌های‌شان با رهایی طبقه کارگر و تحقق خواست‌های این طبقه گره خورده و جدایی‌ناپذیرند.

این‌که معلمان امسال روز جهانی کارگر را برای تجمع سراسری برگزیدند و آن را جایگزین تجمعات ۱۲ در صفحه ۱۰

دادگاه حمید نوری یک موقعیت بی‌مانند برای جنبش دادخواهی

اند، روزهای سنگین و پر التهایی بود. خصوصاً ششم و هفتم اردیبهشت که روزهای قرائت آخرین ادله و دادخواست دادستان‌ها علیه حمید نوری بود. نفس‌گیرترین روزهای دادگاه حمید نوری، جلسات ۸۷ و ۸۸ این دادگاه بود که در روزهای ششم و هفتم اردیبهشت (سوم و چهارم ماه مه) برگزار شد. دو جلسه‌ای که دادستان‌ها طی دو روز دادخواست و ادله نهایی خود را علیه حمید نوری اعلام کردند. از بامداد روز چهارشنبه ۷ اردیبهشت، چه آن‌هایی که در سالن دادگاه حضور داشتند و چه آن‌هایی که در بیرون

در صفحه ۵

دادگاه حمید نوری طی ۹ ماه و با برگزاری ۹۲ جلسه دادرسی سرانجام در روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۱ (۴ ماه مه ۲۰۲۲) در میان بغض و شادمانی خانواده‌های داغدار به پایان رسید. پایانی خوش که به دلیل اهمیت سیاسی این دادگاه و درخواست صدور حکم اشد مجازات برای حمید نوری، دست کم تا این لحظه یک پیروزی بزرگ برای جنبش دادخواهی و توده‌های مردم ایران محسوب می‌شود.

هفته پایانی این دادگاه که در فاصله روزهای ششم تا چهاردهم اردیبهشت ماه جاری برگزار شد، برای همه کسانی که لحظه‌های تکان‌دهنده روند دادرسی دادگاه حمید نوری را دنبال کرده

برای آزادی معلمان و دستگیر شدگان اول ماه مه تلاش کنیم

در صفحه ۷

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

آستانه جنگ جهانی

تورم در ۱۹ کشور حوزه یورو در ماه آوریل به ۷ / ۵ درصد رسید که از سال ۱۹۹۷ بی‌سابقه بوده است. توأم با کاهش نرخ رشد در آلمان که مهم‌ترین قدرت اقتصادی اروپا است، نرخ تورم نیز افزایش یافته است. "مارس برانسون" رئیس نهاد نظارت مالی آلمان موسوم به "بافین" به صراحت از عواقب جنگ و تحریم‌های روسیه در زمینه کاهش رشد اقتصادی و افزایش تورم سخن گفت. وی همچنین از رکود اقتصادی و افزایش بیکاری به عنوان پیامدهای جنگ اوکراین یاد کرد. "دلتف شبله" رئیس آژانس کار آلمان اعتراف کرد که تحریم گاز روسیه منجر به بیکاری گسترده در آلمان خواهد شد. اتحادیه کارفرمایان آلمان (BDA) نسبت به عواقب جدی توقف عرضه گاز طبیعی روسیه برای اقتصاد آلمان، رکود اقتصادی و ضربه شدید بر صنایع آلمان را هشدار داد.

دولت آمریکا نه‌فقط سرکردگی یک جنگ نظامی علیه روسیه را بر عهده دارد بلکه در همدستی با اروپا و کانادا و استرالیا، سرکرده یک جنگ اقتصادی و تجاری علیه روسیه است.

تشدید فشارهای اقتصادی و معیشتی و فقیرتر شدن مردم به‌ویژه کارگران و زحمتکشان و بخش‌های تنگدست مردم اروپا از نتایج حتمی جنگ امپریالیستی اوکراین بوده است. افزون بر بی‌شمار انسان‌هایی که کشته و آواره و مستقیماً قربانی امپریالیستی جنگ‌طلبان شده‌اند، در اثر جنگ و تحریم، صادرات چندین کالای مهم از جمله صدور گندم از روسیه و اوکراین که دو کشور از ۷ کشور برتر تولیدکننده و صادرکننده گندم هستند تعطیل و متوقف شده است. جنگ امپریالیستی و تحریم‌ها نه‌فقط افزایش قیمت مواد خوراکی، گاز و برق را در اروپا در پی داشته بلکه قیمت انواع کالاهایی که تولید آن نیازمند نفت و گاز است افزایش داده است. موضوع گرانی و تورم به حدی جدی است که در برخی کشورهای اروپایی دولت‌ها مجبور به حمایت از خانواده‌های بی‌بضاعت شده‌اند. تردیدی در این مسئله وجود ندارد که تأثیرات و عواقب مخرب جنگ اوکراین مردم فقیر کشورهای غیراروپایی را نیز بی‌نصیب نخواهد گذاشت و قبل از هر چیز تورم و گرانی به این کشورها نیز تسری خواهد یافت. علی‌رغم تمام این‌ها و مصائبی که هم‌اکنون این جنگ ارتجاعی به بار آورده و علی‌رغم اینکه ادامه وضع موجود، احتمال گسترش جنگ و تبدیل آن به یک جنگ جهانی تمام‌عیار را افزایش داده است، اما طرفین درگیر همچنان بر طبل جنگ می‌کوبند.

امپریالیسم جنگ‌طلب آمریکا که بیشترین منافع را از این جنگ تا این لحظه نصیب خودساخته و از قبیل تولید و فروش تجهیزات و تسلیحات جنگی سودهای هنگفتی به جیب زده است، بیش از

متحدان از جمله متحدان اروپایی خویش بر تداوم جنگ اصرار دارد. به‌تبع همین سیاست امپریالیستی دولت آمریکا دولت‌های اروپایی نیز که خود را در نتایج جنگ شریک می‌بینند، از همین سیاست تبعیت کرده‌اند. دولت راست‌گرا و نئونازیست اوکراین که پیش از جنگ اخیر نیز موردحمایت بلوک امپریالیستی آمریکایی-اروپایی بود، بعد از آغاز جنگ نیز به‌طور همه‌جانبه موردحمایت این بلوک قرار داشته است. امپریالیسم آمریکا و اروپا با تمام توان از این دولت و ادامه جنگ حمایت کرده و از هیچ‌گونه اقدامی در این مورد و شعلهور نگاهداشتن آتش جنگ فروگذار نکرده‌اند. میزان کمک‌های نظامی و ارسال تجهیزات پیشرفته تسلیحاتی برای دولت راست افراطی زلنسکی که از سال ۲۰۱۵ بر سریر قدرت نشسته است، از لحاظ کمی و کیفی و ارزش، کم‌سابقه است. در پی درخواست جو بایدن، کنگره آمریکا یک کمک ۳۳ میلیارد دلاری به دولت سرسپرده اوکراین را تصویب کرد. نانسی پلوسی رئیس مجلس نمایندگان آمریکا در سفر اخیر خود به کیف، بر اهدای این کمک تأکید نمود. این مبلغ کلان غارت‌شده از جیب کارگران و زحمتکشان که عمدتاً در شکل تجهیزات نظامی و تسلیحات پیشرفته جنگی در اختیار دولت اوکراین قرار می‌گیرد، اضافه بر کمک‌هایی است که تاکنون به این موضوع اختصاص یافته است. "ند پلاس" رئیس دفتر مطبوعاتی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد؛ آمریکا ۳۸۷ میلیون دلار به اوکراین کمک نموده و به کمک‌های نظامی خود ادامه خواهد داد. دولت انگلیس نیز تاکنون ۲۰۰ میلیون پوند کمک نظامی در اختیار دولت اوکراین قرار داده و قول داده ۳۰۰ میلیون پوند کمک نظامی دیگر نیز در اختیار اوکراین قرار دهد. انگلیس همچنین سیستم‌های پرتاب موشک‌های چندگانه و تعداد زیادی تانک‌های مدرن در اختیار اوکراین قرار داده است. دولت آلمان نیز انواع تجهیزات نظامی به اوکراین فرستاده و تنها در ۸ هفته اول جنگ تسلیحاتی به ارزش ۹ / ۱۹۱ میلیون یورو به اوکراین تحویل داده است. این دولت علاوه بر ارسال تعداد زیادی تانک‌های ضد هوایی "گپارد" (GEPARD) که نسبتاً قدیمی هستند ۸۸ تانک لئوپارد و ۱۰۰ دستگاه تانک "ماردر" که بسیار مدرن و پیشرفته هستند به دولت اوکراین اهدا کرده است. سایر کشورهای اتحادیه اروپا و متحدان آمریکا نیز هریک به فراخور خود به تجهیز دولت نئونازیستی اوکراین یاری نموده‌اند. افزون بر کمک‌ها و ارسال ابزار تسلیحاتی و نظامی، مقامات بلندیپایه نظامی آمریکا (و انگلیس البته)، پیوسته به سران نظامی اوکراین مشاوره داده‌اند. کمک‌های اطلاعاتی، بخش دیگری از کمک‌های آمریکا و اروپا به دولت اوکراین است. وزیر خارجه آمریکا و انگلیس نیز در خصوص ارائه کمک‌های مضاعف نظامی مدام درحال مشورت و گفتگو هستند. ژنرال آمریکایی ژوزف هیلبرت "روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۱ در پنتاگون پیرامون آموزش نظامیان

اوکراینی گفت: "ارتش آمریکا از سال ۲۰۱۵ تا ژانویه ۲۰۲۲ بیش از ۲۳ هزار نیروی نظامی اوکراینی را آموزش داده است. مطابق گزارش کمیته تحقیق فدراسیون روسیه، ۲۵ کشور به اوکراین تسلیحات نظامی می‌دهند که ۲۱ کشور عضو ناتو هستند.

کمک‌های دولت امپریالیستی و جنگ‌طلب آمریکا و متحدان اروپایی آن به دولت دست‌نشانده اوکراین و کوشش برای تشدید و ادامه جنگ و افزایش تنش میان قدرت‌های امپریالیستی درگیر در جنگ، صرفاً به اقدامات فوق‌خلاصه نمی‌شود. جنبه بسیار مهم دیگر این جنگ‌طلبی و تنش‌زایی، درگیر کردن سایر کشورها و فراتر بردن جنگ از محدوده کنونی را به‌خوبی می‌توان در اقدامات ناتو مشاهده کرد. نقض قراری عدم گسترش ناتو به شرق که روسیه کراراً به آن اعتراض نموده است همچنان ادامه دارد. تمرکز نیروهای ناتو و مانورهای نظامی تحریک‌آمیز در مرزهای غربی روسیه نیز ادامه دارد. موشک‌های ناتو با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای در مرزهای شرقی لهستان و مرز روسیه مستقر شده و آماده شلیک هستند. در اسلواکی، لیتوانی، لتونی و استونی نیز اقدامات مشابهی صورت گرفته است. به اشاره دولت آمریکا و قدرت‌های بزرگ اتحادیه اروپا، دولت راست‌گرای لهستان و سه کشور دیگر بالتیک عضو اتحادیه اروپا و ناتو، خواستار حضور دائمی نیروهای ناتو در این کشورها شده‌اند.

مانور نظامی بزرگ یک‌ماهه تحت عنوان "مدافع اروپا ۲۰۲۲" که از یکم ماه می در خاک ۱۹ کشور اروپایی از جمله لهستان، لیتوانی و لتونی با شرکت ۱۸ هزار نظامی آغاز شده تا ۲۷ می ادامه دارد. دولت انگلیس ۸ هزار سرباز برای شرکت در تمرینات نظامی به شرق اروپا فرستاده است. این تلاش‌ها و همچنین تلاش ناتو برای پیوستن کشورهای همسایه روسیه و برخی کشورهای دیگر از نمونه فتلاند و سوئد به "سازمان پیمان آتلانتیک شمالی" (ناتو) جز گستراندن جنگ و کشاندن کشورهای بیشتری به کام جنگ معنی دیگری ندارد. در همین یک هفته اخیر نروژ اعلام کرد مرزها و بنادر خود را به روی کامیون‌ها و کشتی‌های روسی می‌بندد و بدین ترتیب نروژ نیز در واقع به تحریم‌های اعمال‌شده توسط اتحادیه اروپا پیوسته است. "آن لینگ" وزیر خارجه سوئد بعد از دیدار با "انتونی بلینکن" هم‌تای آمریکایی خود فاش ساخت دولت آمریکا ضمانت‌های امنیتی کافی برای عضویت در ناتو به سوئد داده است. "اولاف شولتس" صدراعظم آلمان در نشست‌هایی که با رهبران سوئد و فنلاند در برلین برگزار شد، از پیوستن این دو کشور به ناتو حمایت و آنان را به این کار تشویق کرد.

تمامی شواهد نه‌فقط حاکی از ادامه و تشدید جنگ حاضر، بلکه همچنین مبین گسترش احتمالی جنگ اوکراین است. اوکراین به یک نقطه گرهی و مرکز تصادم تضادها و منافع امپریالیست‌های

آزادسازی قیمت آرد و نان و موج نوین تورم افسارگسیخته

کارخانه‌های تولید آرد، نرخ جدید گندم را ۱۲ هزار تومان اعلام کردند. حالا فعالان صنعت پخت نان فانتزی می‌گویند قیمت گندم برای نان‌های فانتزی و حجیم با رشد ۳/۱۳ برابری (۱۲۳۰ درصد) از ۹۰۰ تومان به ۱۲ هزار تومان رسید.

قیمت آرد از کیلویی ۲۷۰۰ تومان برای صنایع و اصناف به کیلویی ۱۶ هزار و ۹۰۰ تومان رسید. این یعنی رشد حدود شش برابری قیمت گندم و آرد موردنیاز صنایع در کمتر از یک ماه.

با این وجود، سخنگوی دولت اما اعلام کرد که این افزایش بهای گندم و آرد به معنای افزایش قیمت نان سنتی یا به گفته وی نان مردم نیست "به هیچ وجه قیمت نان برای مردم تا پایان سال تغییر نمی‌کند و رئیس‌جمهور اجازه گران شدن نان را نمی‌دهد."

سپس یک مقام وزارت اقتصاد گفت که نان به صورت سهمیه‌ای و با کد ملی فروخته خواهد شد.

مدیرکل آیندپژوهی، مدل‌سازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت اقتصاد، روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت گفت: "برای هر کد ملی یارانه نان ثبت می‌شود. مردم به هنگام خرید نان، به همان قیمت قبلی پول پرداخت می‌کنند و مابه‌التفاوت آن را دولت پرداخت می‌کند. مزیت این کار این است که افرادی که بیش از الگوی مصرف کنند باید الگوی مصرف را اصلاح یا به قیمت آزاد خریداری کنند."

پس تا اینجا قضیه گویا به ادعای مقامات دولتی "نان برای مردم" گران نمی‌شود، در ازای هر کد ملی مقداری نان به هر فرد داده می‌شود، تنها اتفاقی که می‌افتد این است که مردم باید به همین مقدار نان که دولت تعیین می‌کند، نان مصرف کنند. اگر هم کفاف خانواده‌ها را نداد، باید به همین حد اکتفا کنند و الگوی مصرف را اصلاح کنند، والا جریمه می‌شوند. یعنی باید نان را به قیمت آزاد خریداری کنند!

اما این الگوی مصرف چیست و به هر فردی در یک بیست و چهار ساعت چه مقدار نان تعلق می‌گیرد؟

روز شنبه ۱۷ اردیبهشت، پاسدار رسول سنائی راد، معاون سیاسی دفتر عقیدتی - سیاسی علی خامنه‌ای در روزنامه جوان مقاله‌ای نوشت تحت عنوان "حل چالش نان درگرو مفاهیم‌های راهبردی" وی که گویا صدایش از جای گرمی بیرون می‌آید و با حقوق نجومی و زدی‌های مرسوم مقامات دولتی، وعده‌های غذائی‌اش را با چلوخورش، چلوکباب، چلو مرغ و ماهی و امثال این غذاها می‌گذراند و طبیعتاً نیاز کمتری به "نان مردم" دارد، در این نوشته ادعا می‌کند که اصل مشکل نان در ایران این است که نان ارزان است و مردم زیاد مصرف می‌کنند، رئیسی

می‌خواهد جلو آن را بگیرد و باید از او حمایت کرد. وی نوشت "مصرف بالا و ضایعات خسارت‌بار نان تهیه‌شده با آرد دولتی که به دلیل ارزانی هم اضافه بر مصرف خریداری می‌شود و هم به دلیل غیررقابتی بودن، در پخت آن استانداردها رعایت نمی‌شود و حدود یکسوم نان تولیدی هدر می‌رود.

حالا آنکه صرفاً با واقعی کردن مصرف، حدود ۵۰ درصد از مصرف آرد و گندم دولتی کاسته خواهد شد که می‌تواند صرفه‌جویی ناشی از یارانه را، حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان رقم بزند.

درحالی‌که سرانه مصرف ماهانه افراد باید حدود ۷/۷ تا ۵/۷ کیلو آرد باشد، به هر فرد ایرانی حدود ۱۴ کیلو آرد دولتی اختصاص می‌یابد. پس اصلاح الگوی مصرف نان موردنظر مدیرکل وزارت اقتصاد هم روشن شد. سرانه مصرف هر فرد روزانه ۲۳۳ تا ۲۵۰ گرم نان است. هر نان سنگک ۴۵۰ گرم است. بنابراین، دولت اگر به هر نفر در روز در حدود نصف نان سنگک با کد ملی بدهد، برای هفت‌پشت او هم کافی است. البته این فاشیست و نژادپرست افاضات دیگری هم در مورد مصرف زیاد نان افغانی‌های ساکن ایران هم دارد که از آن می‌گذریم.

الگوی مصرف این عزیزدردانه علی خامنه‌ای تقریباً شبیه همان گفتگویی است که چند روز پیش رئیس اتحادیه نانویان سنگک با خبرنگاری فارس داشت. وی به خبرنگار فارس گفت: "طرحی آزمایشی در استان زنجان اجرا شده که فروش نان باکارت یارانه انجام می‌شود.

رئیس اتحادیه نانویان سنگک با اشاره به جزئیات این طرح گفت: برای هر فرد سرانه مصرف روزانه ۳۳۰ گرم تعیین شده که این میزان به نرخ دولتی فعلی محاسبه می‌شود و اگر قرار باشد بیش از این مصرف شود به نرخ آزاد حساب خواهد شد.

وی افزود: هر یک قرص نان سنگک ۴۵۰ گرم است (البته قبلاً ۴۶۵ گرم اعلام شده بود.) و ۳۳۰ گرم، حدود سه‌چهارم نان سنگک به حساب می‌آید و این میزان برای مصرف روزانه یک فرد معمولی کافی است."

بنابراین پوشیده نیست که تمام ادعای دولت مبنی بر این که نان سنتی گران نشده یک دروغ بزرگ است. نصف یا حداکثر دوسوم نان سنگک حتی نمی‌تواند نان ضروری برای یک وعده‌غذای یک کارگر یا حتی فرزندان خانواده کارگری باشد و باید نان را از نانوائی‌های آزاد پز به چند برابر بهای آن خریداری کنند. آخوند شید با این شیوه رسوا گویا قصد دارد سر مردم ایران شیوه بمالد و چنین وانمود کند که نان سنتی به قیمت سابق به فروش می‌رود. اما از هم‌اکنون همه می‌دانند که قیمت نان به چند برابر افزایش یافته و نصف یک

سنگک به هرنفر شیدای برای سرپوش گذاشتن بر واقعیت آزاد سازی قیمت نان است.

نکته دیگر در مورد کلاهبرداری دولت این است که گویا نان فانتزی که رسماً گران اعلام شده، مختص ثروتمندان است، مردم عادی آن را نمی‌خورند یا نباید بخورند، خلاصه این‌که شامل حال "نان مردم" نمی‌شود. درحالی‌که هرکس می‌داند، بیشترین خریدار ساندویچ‌های ارزان، توده‌های زحمتکش مردم هستند. در تمام شهرهای ایران کارگران کارگاه‌های تولیدی و خدماتی کوچک که دستمزدشان ناچیز است، برای صرفه‌جویی نهارشان یک ساندویچ ارزان مثل فلافل یا پیتزاهای ارزان است. بنابراین همین توده‌های زحمتکش هستند که باید هزینه گران شدن آن‌ها را که تاکنون لاقفل ۵۰ درصد افزایش یافته است، بپردازند.

قیمت نان باگت معمولی از سه هزار تومان به ده هزار تومان و نان همبرگری از ۴۰۰۰ تومان به ۷۵۰۰ تومان افزایش یافته است.

قیمت یک ساندویچ فلافل که در سال ۹۷، ۳ هزار تومان بود و تا چند روز پیش، بین ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان، به ۴۰ تا ۵۰ هزار تومان افزایش یافته است.

به گزارش خبر آنلاین "قیمت ساندویچ‌هایی چون کوکو سبزی، بندری و سوسیس که غالباً خریداران فراوان در میان طبقات کم درآمد جامعه داشت نیز در اغلب مناطق تهران از ۵۰ هزار تومان فراتر رفته و رشدی نزدیک به ۲۰ هزار تومان را تجربه کرده است."

بر طبق همین گزارش "متصدی صدور فیش در این واحد فلافلی به خبرنگار ما گفت قیمت این ساندویچ به واسطه رشد قیمت نان تنها ۱۰ هزار تومان گران شده است اما در صورتی‌که مشتری فلافل با فارچ و پنیر بخواهد باید قیمتی در حدود ۵۰ هزار تومان بپردازد. متصدی یک واحد فست فودی در منطقه سیدخندان در این خصوص به خبرنگار ما گفت: قیمت همبرگر ساده ما در اول هفته چهار هزار تومان بود، اما امروز قیمت این ساندویچ که شامل نان، همبرگر ساده، گوجه و خیارشور است، به پنجاه و پنج هزار تومان رسیده است."

اما بر سر "نان مردم" یا همان نان سنتی و معمولی موردنظر دولت تا همین لحظه که هنوز مرحله آزمایشی آن در یک استان است، چه آمده و چه خواهد آمد؟ قبل از هر چیز باید اشاره کرد که چیزی از نانوائی‌های نان یارانه‌ای در نتیجه سیاست‌های رژیم در طول یک دهه اخیر، باقی نمانده است و آنچه هست بیشتر نانوائی‌های آزاد پز است و قیمت‌های آن‌ها تابع نرخ آزاد آرد. به‌ویژه در شهرهای بزرگ تعداد نانوائی‌هایی که نان را با آرد دولتی پخت می‌کنند، در سال‌های اخیر بسیار کاهش یافته و نانوائی‌ها عموماً آزاد پز هستند. اما همین نانوائی‌های آرد یارانه‌ای و آزاد پز سنتی پس از گران شدن بهای گندم و آرد به‌فرویت قیمت‌ها را افزایش دادند. قیمت نان سنگک ساده را تا ۱۲ هزار تومان و پرنکند آن

در صفحه ۴

زنده باد سوسیالیسم

آزادسازی قیمت آرد و نان و موج نوین تورم افسارگسیخته

کمک های مالی

سوئیس

۳۰ فرانک	علی اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسهچی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نریمسا
۲۰۰ کرون	خروش (مه)

آلمان

۱۰ یورو	ناصر شاد نژاد
۱۰ یورو	یعقوب شکراللهی

ایران

۱ میلیون تومان	آبان ادامه دارد
----------------	-----------------

دبیر کل اتحادیه بنکداران مواد غذایی کشور اخیراً به اینها گفت: در حال حاضر روغن باقیمت مصوب تنها در فروشگاههای زنجیره‌ای یافت می‌شود که آن‌ها با محدودیت عرضه است. در بازار آزاد روغن ۱۶ کیلوگرمی که قیمت مصوب آن ۲۵۸ هزار تومان است بیش از ۳۷۰ هزار تومان به فروش می‌رسد.

روشن است که گرانی قیمت این اجناس، تأثیر خود را بر کالاهای دیگر می‌گذارد و به‌زودی موج نوین افزایش بهای عموم کالاها فراخواهد رسید. البته عوامل دیگری هم در نتیجه سیاست‌های اخیر دولت به این افزایش عمومی بهای کالاها یاری می‌رسانند.

رئیس کمیسیون معدن خانه اقتصاد ایران در گفتگو با اقتصاد ۲۴ گفت: "با ابلاغ گمرک در تاریخ ۶/۲/۱۴۰۱، واردات کلیه ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی، صنعتی- معدنی و کشاورزی در سال ۱۴۰۱ از شمول معافیت حقوق ورودی خارج می‌شود.

وی افزود: تولیدکننده نیاز به واردات تجهیزات و دستگاه‌ها جهت توسعه تولید محصولات خود دارد. ادامه حرکت در تولید نیاز به واردات تجهیزات و دستگاه‌ها دارد، حالا با مصوبه گمرک، تولیدکننده برای جبران افزایش هزینه‌های جدید، قیمت تولیدات خود را افزایش می‌دهد. این به معنای واقعی افزایش تورم است! وی با تأکید بر اینکه تأثیر حذف معافیت حقوق ورودی دستگاه‌ها و تجهیزات تولیدی، صنعتی- معدنی و کشاورزی بر تولید غیرقابل‌جبران خواهد بود، گفت: صنعتکاران، معدنکاران و کشاورزان و تمام فعالان در بخش تولید در برابر افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، الزاماً قیمت کالاها را خود را بر اساس آن افزایش می‌دهند."

آنچه تاکنون گفته شد مربوط به گرانی‌های چند روز اخیر بود. پیش از آنکه دولت آزادسازی قیمت آرد و نان را اعلام کند، بهای بسیاری از کالاها شدیداً افزایش یافته بود و حتی اقتصاددانان‌های جمهوری اسلامی معترف بودند که نرخ تورم در کشور ۶۰ درصد و تورم مواد خوراکی ۷۴ درصد است. تازه در اواسط ماه دوم سال جاری قرار داریم و با توجه به ادامه سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال توسط کابینه رئیسی که آزادسازی بهای گندم و آرد در رأس آن‌ها قرار گرفته است و از هم‌گسیختگی اقتصاد، باید در انتظار بود که این نرخ‌های تورم در طول سال به دو تا سه برابر افزایش یابند.

در اینجا مجال نیست که به بررسی افسارگسیختگی تورم در یک سال اخیر که ده ماه آن دوره زمامداری رئیسی با وعده پوشالی تکریمی کردن نرخ تورم است، بپردازیم. فقط اشارکنیم بر طبق گزارش "کارگروه رصد و پایش قیمت اقلام اساسی و پرمصرف بازار کشور منتهی به ۳۰ فروردین که از سوی انجمن ملی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان" منتشر شده است و خبرگزاری ایسنا هفته گذشته آن را انتشار داد، بهای بسیاری از کالاها موردنیاز مردم در طول یک سال گذشته بیش از ۵۰ درصد

را تا ۲۰ هزار تومان بالا بردند. به گزارش خبرگزاری دولتی ایرنا، "طبق قیمت‌های مصوب، هر عدد نان سنگگ معمولی باید باقیمت دو تا ۳ هزار تومان به دست مردم برسد اما واحدهای نانوايي برای تأمین هزینه‌های خود با اضافه کردن برخی مخلفات همچون کنجد، سیاهدانه، کره و سیر و شوید و سایر سبزیجات هر عدد نان را تحت عنوان نان سفارشی باقیمت‌های ۵ تا ۷ هزار تومان نیز می‌فروختند. اما طی روزهای اخیر با تغییر قیمت آرد صنف و صنعت، برخی واحدهای نانوايي به‌طور خودسرانه اقدام به افزایش قیمت نان سنگگ کرده‌اند." اما این هنوز آغاز ماجراست و قرار است بهای این نان‌ها نیز رسماً افزایش یابد. رئیس اتحادیه صنف نانوايان سنگگی درباره افزایش بهای نان در تهران گفت: "به‌تمامی واحدهای نانوايي ابلاغ‌شده تا تعیین نرخ جدید از سوی دولت افزایشی در نرخ نان صورت نگیرد." یعنی دست نگه‌دارید تا یک تأییدیه دولتی بگیرید و بعد افزایش دهید. اما کسی در همین حد نیز به حرف او توجه نکرد، نانوايان کار خودشان را کردند و نان گران شد.

این از نان، اما به افزایش چند برابری بهای ماکارونی نیز بپردازیم که تاکنون یکی از اقلام مصرفی کارگران و زحمتکشان بوده است. مستثنا از اجازه دولت، کارگران و زحمتکشان که دیگر قادر به تهیه گوشت قرمز، ماهی و حتی مرغ نیستند، تاکنون حق خود می‌دانستند که هفته‌ای یک یا دو بار ماکارونی را باکمی رب و سبزی به‌عنوان یک وعده غذایی مصرف کنند. اکنون دولت اعلام کرده است که آن‌ها هم جزء غذاهای فانتزی است. بنابراین بهای آن ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش یافته است. روز ۱۱ اردیبهشت، رئیس سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در نامه‌ای به معاون صنایع عمومی خواست قیمت‌های جدید ماکارونی را که افزایشی نزدیک به سه برابر داشته به کارخانه‌ها ابلاغ کند.

در این نامه قیمت ماکارونی رشته‌ای ساده ۵۰۰ گرمی، ۱۷ هزار تومان، ۷۰۰ گرمی ۲۴ هزار تومان و ۱۰۰۰ گرمی ۳۴ هزار تومان اعلام شده است. ماکارونی نیم‌کیلویی قبلاً ۶۳۰۰ تومان به فروش می‌رسید و قیمت‌گذاری جدید نشان‌دهنده افزایش ۱۵۰ درصدی است.

خبرگزاری ایلنا می‌نویسد: امروز یک کیلو ماکارونی هم قیمت یک کیلو گوشت مرغ در یک سال قبل است!

حالا بر طبق نظر و سیاست دولت، اگر خانواده‌های کارگری دوست دارند ماکارونی مصرف کنند، به خودشان مربوط است، باید این گرانی را تحمل کنند و اگر وسعشان نمی‌رسد، آن را از سفره غذایی خود حذف نمایند. این گرانی آرد البته به ماکارونی محدود نمی‌شود، تمام محصولاتی که در تهیه آن‌ها آرد مصرف می‌شود، از جمله شیرینی‌ها بهای آن‌ها دو یا سه برابر می‌شود، چراکه هم‌زمان با آن بار دیگر روغن هم کم‌یاب و گران شده است.

افزایش داشته‌اند. قیمت برنج ایرانی یعنی هاشمی و طارم هر کیلو ۱۴۶ و ۱۳۷ درصد، هر کیلو قند ۷۰ درصد، شکر فله ۸۱ درصد، شکر بسته‌بندی ۹۳ درصد، پنیر ۶۴ درصد، هر کیلو تخم‌مرغ ۵۳ درصد، ماکارونی ۵۴ درصد، عدس و نخود، به ترتیب ۷۳، ۷۰، درصد، سیب‌زمینی ۱۶۷ درصد، گوجه‌فرنگی ۱۵۰ درصد، رب گوجه‌فرنگی ۱۰۱ درصد، پیاز زرد ۸۸ درصد، آب آشامیدنی بطری ۷۳ درصد، خرما ۶۸ درصد، افزایش قیمت در طول این یک سال را داشته‌اند.

تمام این افزایش‌ها تا فروردین‌ماه است و هنوز دومین ماه سال به نیمه رسیده که تعدادی از کالاها و خدمات در فروردین و نیمه اول اردیبهشت از نمونه دارو، اینترنت، مواد شوینده، افزایش بهای بسیار بالائی داشته‌اند. پی آمد آن‌ها نیز گرانی چندین برابری آرد، نان، ماکارونی و غیره است که نتایج آن از این‌پس آشکار خواهد شد و از هم‌اکنون در مورد برخی کالاها با چند برابری قیمت مشخص شده است. این فاجعه‌ای که توده‌های کارگر و زحمتکش با آن روبه‌رو هستند و مدام منجر به تنزل پی در پی سطح معیشت آن‌ها و فرورفتن روزافزون‌شان به اعماق فقر شده است، نتیجه سرمایه‌داری ایران و سیاست اقتصادی جمهوری است. تفاوتی هم نمی‌کند که کدام جناح و فرد رژیم در رأس امور قرار داشته باشد. این را همگان به تجربه دیده‌اند. راهی نیز برای نجات از این وضعیت، در چهارچوب نظم موجود نیست. این وضع ادامه خواهد یافت تا روزی که کارگران و زحمتکشان برای یکسره کردن کار رژیم به پاخیزند، نظم موجود را براندازند و نظم نوینی را جایگزین آن سازند.

دادگاه حمید نوری یک موقعیت بی مانند برای جنبش دادخواهی

سالن و در اقصا نقاط جهان به طور زنده روند دادگاه را دنبال می کردند، با گوش جان در انتظار بودند تا ببینند و بشنوند دادستان ها چه حکمی را برای حمید نوری درخواست می کنند.

وقتی دادستان برای حمید نوری مجازات حبس ابد (اشد مجازات در سوئد) را درخواست کرد، صحن دادگاه و فضای بیرونی آن به یکباره با بغض و اشک و شادمانی خانواده های داغدار حاضر در دادگاه در هم آمیخت و جنبش دادخواهی با شوق و ذوق نخستین شاهد پیروزی سالیان دور و دراز را در آغوش گرفت. بغض و اشک و لیخنندی که تا لحظه های پایانی دادگاه، به طور توامان در چهره خانواده های داغدار و مدافعان جنبش دادخواهی باقی ماند و هر لحظه فزونتر شد.

فرایند دادگاه حمید نوری از لحظه دستگیری تا رسیدگی به پرونده اتهامات او حدود ۳۰ ماه طول کشید. محاکمه حمید نوری (حمید عباسی) به اتهام دست داشتن در قتل عام زندانیان سیاسی در زندان گوهردشت در تابستان ۶۷ در کشور سوئد، برای خانواده های داغدار و توده های مردم ایران که بیش از چهار دهه با بی عدالتی دست و پنجه نرم کرده اند، یک موقعیت بی مانند است. حمید نوری و ناصرریان (قاضی محمد مقیسسه) در مقام کمک دادیار و دادیار زندان گوهردشت، از جمله افرادی بودند که در کشتار جمعی زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ نقش موثری داشتند. این دو، با گزارش دهی و پرونده سازی علیه زندانیان، آنان را برای تعیین تکلیف و صدور حکم اعدام نزد "هیئت مرگ" می بردند.*

حمید نوری با چنین پیشینه ای از کشتار و مرگ، در تاریخ ۹ نوامبر ۲۰۱۹ (۱۸ آبان ۱۳۹۸) به هنگام ورود به سوئد با حکم دادستان بخش جرائم سازمان یافته بین المللی سوئد در فرودگاه استکهلم دستگیر شد. نقض قوانین بین المللی (جرائم جنگی)، جرم سنگین و قتل از جمله اتهاماتی بودند که دادستانی سوئد با تکیه بر آن ها دستور بازداشت او را یک روز پیش از ورود به سوئد صادر کرده بود. حکم بازداشت موقت حمید نوری به دستور قاضی پرونده هر چهار هفته یکبار تمدید شد و پس از ۲۰ ماه بازداشت موقت، پرونده اتهامی او با یک کیفرخواست ۴۴ صفحه ای به انضمام ۱۰ هزار صفحه بازجویی به دادگاه سوئد ارسال گردید. دادگاه حمید نوری و رسیدگی به پرونده اتهامی او از تاریخ ۱۹ مرداد ۱۴۰۰ (دهم اوت ۲۰۲۱) شروع شد که طی ۹ ماه و با برگزاری ۹۲ جلسه دادرسی، سرانجام

در روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۱ (۴ ماه مه ۲۰۲۲) به پایان رسید. در این مدت ده ها نفر از زندانیان سیاسی جان به در برده به همراه تعدادی از خانواده های جان باختگان کشتار تابستان ۶۷ در زندان گوهردشت به عنوان شاکیان و شاهدان پرونده در دادگاه حضور یافتند و علیه حمید نوری شهادت دادند.

شاکیان و شاهدان این پرونده در بازگویی از روزهای کشتار و مرگ، راوی لحظه های جانکاهی بودند که "حمید عباسی" در روزهای قتل عام تابستان ۶۷، زندانیان را از سلول و بند بیرون می کشید و آنان را با توهین و تحقیر به نزد "هیئت مرگ" می برد. شاهدان این پرونده، با روایت دردناک آن روزهای وحشت و مرگ، از نقش حمید نوری و دست داشتن او در کشتار زندانیان سخن گفتند. آنان، از انتقال طناب های دار به "حسینی مرگ" زندان گوهردشت حکایت کردند، از دیدن کامیون های یخچال دار برای حمل جنازه زندانیان اعدام شده حرف زدند و از تل انبار شدن انبوه دمپایی های زندانیان جان باخته سخن گفتند. در روند جلسات دادرسی، شاهدان پرونده جملگی بر این نکته تاکید داشتند که حمید نوری همان "حمید عباسی" کمک دادیار زندان گوهردشت است. همان کسی که زندانیان را پیش "هیئت مرگ" می برده و سپس زندانیان محکوم به مرگ را در صف های چند نفره به "حسینی" زندان گوهردشت جهت اعدام هدایت می کرد.

شنیدن روایت لحظه های کشتار تابستان خونین ۶۷، از زبان زندانیانی که خود روزهای بودن در "راهروی مرگ" را تجربه کرده بودند، بسیار تکان دهنده بود. شاهدانی که با دستور "حمید عباسی" و "ناصرریان" به نزد "هیئت مرگ" برده می شدند، زندانیان بازمانده ای که شاهد روزهای کشتار زندانیان گوهردشت بوده اند، شاهدانی که لحظه های خوفناک نشستن در "راهروی مرگ" را تجربه کرده و نظاره گر انتقال زندانیان محکوم به اعدام به قتلگاه حسینی زندان بوده اند.

دادگاه حمید نوری از آغاز تا پایان بر بستر چنین فرایندی آغاز شد و لذا از همان آغاز در مسیری برای محاکمه جمهوری اسلامی قرار گرفت. پخش مستقیم جلسات این دادگاه در گستره ای همگانی و بین المللی، اهمیت سیاسی این دادگاه را چه برای جنبش دادخواهی و چه برای جمهوری اسلامی در ابعادی بسیار فراتر از محاکمه حمید نوری نشانده. دادستان ها و شاهدان پرونده، طی ۹ ماه و به صورت روزانه در جلسات دادگاه،

با پرتو افکنی بر تاریکخانه جنایات جمهوری اسلامی، فریاد دادخواهی خانواده های داغدار، مادران خاوران و توده های مردم ایران را به گوش ایران و جهان رساندند. صدای جلسات این دادگاه که به صورت زنده حتی تا دوردست ترین نقاط ایران شنیده می شد، به هر اندازه که برای مردم ایران و جنبش دادخواهی نوید بخش پیروزی بود، رسواگر هرچه بیشتر جمهوری اسلامی و جنایات آن بود.

در جلسات این دادگاه، نام خمینی و فتوایی که او برای قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ صادر کرده بود، بارها و بارها تکرار شد. نام ابراهیم رئیسی و حضور او به عنوان عضو موثر "هیئت مرگ" از طرف تمامی شاهدان این دادگاه تایید شد. در پی روایت شاهدان پرونده، جلسات دادگاه حمید نوری عملاً به دادخواستی علیه جنایات جمهوری اسلامی تبدیل شد. با حضور هر شاهد و بیان روایت آنان از روزهای کشتار و مرگ زندانیان گوهردشت، پرتوی بر تاریکخانه کشتار ۶۷ می تابید و با ارائه شهادت هر شاهد، گوشه ای از جنایات هولناک جمهوری اسلامی به گوش مردم ایران و جهان می رسید.

در هشتاد و هشتمین جلسه دادگاه که با درخواست محکومیت اشد مجازات (حبس ابد) برای حمید نوری همراه شد، به یکباره بذر پیروزی های بزرگ و بزرگتر در دل توده های مردم ایران جوانه زد. در جلسه پایانی دادگاه که با سخنان قاضی پرونده خاتمه یافت، ۱۴ جولای ۲۰۲۲ (۲۳ تیر ماه ۱۴۰۱) تاریخ اعلام حکم حمید نوری تعیین شد. با اعلام این خبر دادگاه پایان یافت و تا رسیدن به آن روز انتظار شوق انگیزی در وجود جنبش دادخواهی و توده های مردم ایران شکل گرفت.

آنچه در بررسی پرونده حمید نوری گذشت، مجموعه روند جلسات دادگاه، گستره تعداد شاکیان و شاهدان پرونده، اعلام کیفرخواست دادستانی، روند دادرسی دادگاه و انبوه مستندات این پرونده، جملگی بر محکومیت سنگین حمید نوری استوار است. با این همه، مستثنا از اینکه دادگاه، درخواست مجازات حبس ابد برای حمید نوری را بپذیرد یا نه، مستثنا از اینکه دادگاه و هیئت منصفه به محکومیت حمید نوری رای دهد یا نه، تا همین جا هم جنبش دادخواهی و توده ها مردم ایران برنده واقعی این دادگاه بوده اند. مستثنا از هر نقد و انتقادی که ممکن است بر دادگاه و روند دادرسی پرونده اتهامی حمید نوری وارد

آستانه جنگ جهانی

روسیه و بلوک امپریالیستی آمریکایی-اروپایی تبدیل شده است. اوکراین به مرکز بروز تشدید تضادها، نقطه ستیز و درگیری و جنگ‌افروزی برای توسعه‌طلبی، باز تقسیم بازارها و منابع اقتصادی و حتی جغرافیایی تبدیل شده است. سران دولت آمریکا، صدراعظم آلمان، نخست‌وزیر ایتالیا و رهبران سایر کشورهای اروپایی مکرر اعلام کرده‌اند روسیه نباید در جنگ پیروز شود. دبیر کل ناتو "ینزا استولتنبرگ" خیلی روشن گفته است: "باید برای یک جنگ درازمدت آماده شویم. این احتمال وجود دارد که این جنگ ماه‌ها و حتی سال‌ها طول بکشد!"

طرف دیگر این جنگ امپریالیستی که فعلاً دولت روسیه باشد نیز بر ادامه جنگ تا دستیابی به اهداف و مقاصد خویش پای فشرد و در همین رابطه به فتوحات خود در خاک اوکراین و کشتار و تخریب و آوارگی ادامه داده است. چند روز پیش "مازیا زاخارووا" سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه در مصاحبه با روزنامه اسپانیایی ABC در خصوص وضعیت کریمه روسیه و به رسمیت شناختن استقلال دو جمهوری دونتسک و لوهانسک در شرق اوکراین از سوی مسکو، تأکید کرد: "زمان آن رسیده است که کیف و سایر کشورها، واقعیت‌های سرزمینی را که در اوکراین رخ داده است، به رسمیت بشناسند"

بنابراین دو طرف اصلی بر شیپور جنگ می‌دمند. سازمان ملل متحد و دبیر کل آن "انتونیو گوترش" نیز از ارائه هرگونه راه‌حلی برای پایان یا حتی توقف میان‌مدت جنگ ناتوان است و تلاش‌هایی اگر در این زمینه صورت گرفته به‌جایی نرسیده است. جنگی که در آغاز نیابتی می‌نمود و نیابتی بود به سرعت از چنین حالتی خارج شده و چهره واقعی خود را عریان ساخته است. یک نماینده "حزب چپ آلمان" ارسال تسلیحات توسط دولت آلمان به اوکراین را خطرناک خواند و گفت: "آلمان عملاً درحال تبدیل شدن به یک طرف درگیری است". آری طرف مقابل روسیه، نه دولت اوکراین که دولت آلمان و کل اتحادیه اروپا و دولت آمریکا است. اکنون دیگر چیزی برای پنهان کردن باقی نمانده، بازی باکارت روباز در جریان است و جنگ از حالت نیابتی خارج شده است. بسیاری جنگ اوکراین را یک جنگ جهانی اعلام‌نشده خوانده‌اند. حتی اگر هم در لحظه فعلی نتوان از جنگ جهانی صحبت کرد، اما اینکه جنگ اوکراین آستانه جنگ جهانی است و می‌تواند به یک جنگ جهانی تمام‌عیار تبدیل شود را نمی‌توان انکار کرد.

جنگی را که تمام هزینه‌اش از جیب کارگران و زحمتکشان پرداخت می‌شود، جنگی را که قربانیان و زبان دهنندگان اصلی آن کارگران و زحمتکشان و توده مردم‌اند، جنگی که سرمایه‌داران با شعله‌ور ساختنش سودهای هنگفتی به جیب‌های خود سرازیر می‌کنند، آری براین جنگ با انقلاب همین قربانیان و زبان دهنندگان و براندازی برافروزدگان و سود بردگان جنگ بایستی نقطه پایان گذاشت.

دادگاه حمید نوری یک موقعیت بی مانند برای جنبش دادخواهی

محقق ایرانی - سوئدی تا پایان اردیبهشت ماه جاری اجرا خواهد شد. در همین روز (۱۴ اردیبهشت) وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز طی تماسی با همتای سوئدی خود، خواهان آزادی فوری حمید نوری شد.

گره خوردگی پرونده حمید نوری با کل کشتار تابستان ۶۷ که به دستور مستقیم خمینی صورت گرفت، عملاً خمینی و جمهوری اسلامی را به متهم ردیف اول این پرونده تبدیل کرده است. لذا محکومیت حمید نوری نه از منظر محکومیت شخص حمید نوری بلکه به لحاظ سیاسی و اعتبار حقوقی و قضایی جمهوری اسلامی در اذهان بین المللی، تبعاتی بسیار فراتر از محکومیت حمید نوری خواهد داشت. و این همان نکته ای است که جمهوری اسلامی خواهان تحقق آن نیست.

لذا، همه این تلاش‌های مذبحخانه جمهوری اسلامی از گروگان‌گیری‌های جدید گرفته تا اعلام خبر اجرای حکم اعدام احمد رضا جلالی تا پایان اردیبهشت ماه جاری، جملگی اقداماتی باجگیرانه است تا در گام نخست شیرینی محاکمه و درخواست داستان برای صدور حکم اشد مجازات حمید نوری را به کام توده‌های مردم ایران و جنبش دادخواهی تلخ سازد و در ثانی تا آنجا که ممکن است تلاش خواهد کرد تا رای دادگاه به محکومیت حمید نوری منجر نشود.

پی نوشت:

اعضای هیئت مرگ زندان گهر دشت که از طرف خمینی انتخاب شده بودند، شامل: حسینعلی نیری (حاکم شرع وقت)، مرتضی اشراقی (دادستان وقت تهران)، ابراهیم رئیسی (معاون وقت دادستان و رئیس جمهور فعلی) و مصطفی پور محمدی (نماینده وقت وزارت اطلاعات و وزیر دادگستری در کابینه اول حسن روحانی) بودند.



باشد، برگزاری این دادگاه به لحاظ اهمیت سیاسی که عملاً دادگاه حمید نوری را به فرایندی برای محاکمه جمهوری اسلامی تبدیل کرد، به نفع جنبش دادخواهی، خانواده‌های داغدار و توده‌های مردم ایران بوده است. دادگاهی که امید و شوق به پیروزی دادخواهی را در دل مردم ایران زنده کرد. توده‌هایی که دیرگاهی ست برای سرنگونی جمهوری اسلامی خیز برداشته‌اند و محاکمه کلیه آمران و عاملان ۴۴ سال کشتار و جنایات جمهوری اسلامی را در روزهای بعد از سرنگونی این رژیم در دادگاه‌های داخل ایران انتظار می‌کشند.

دادگاه حمید نوری اگرچه یک پیروز در خور برای جنبش دادخواهی توده‌های مردم ایران است، هیئت حاکمه ایران اما از منظری کاملاً متفاوت با توده‌های مردم ایران به نتیجه دادگاه چشم دوخته است. از نگاه جمهوری اسلامی هر حکمی که برای حمید نوری صادر شود، اگر به برانت او منتهی نشود - که صد البته نخواهد شد- میزان سال‌های محکومیت حمید نوری برای جمهوری اسلامی چندان فرقی نخواهد داشت. اینکه حمید نوری به حبس ابد محکوم شود و یا دادگاه سال‌های اندکی را برای مجازات او در نظر بگیرد، به لحاظ اهمیت سیاسی برای جمهوری اسلامی یکسان است. آنچه برای جمهوری اسلامی از اهمیت سیاسی برخوردار است، همانا تیره حمید نوری از اتهامات کیفرخواست مربوط به او است.

از آنجا که پرونده اتهامی حمید نوری یک پرونده شخصی نیست و او مجری فتوای خمینی و هیئت مرگ برگزیده رهبر وقت جمهوری اسلامی بوده است، محکومیت حمید نوری عملاً به معنای محکومیت خمینی، ابراهیم رئیسی و به طریق اولی محکومیت کل جمهوری اسلامی ایران است. چیزی که رژیم ایران خواهان آن نیست. جمهوری اسلامی از روز دستگیری حمید نوری، عملاً سکوت اختیار کرد. تا دو سال بعد از دستگیری او حتا حاضر به نام بردن و تایید رسمی حمید نوری در رسانه‌های خود نبود. اما درست از همان روزی که دادستان برای حمید نوری مجازات حبس ابد را درخواست کرد، به یکباره دستگاه دیپلماسی و سیستم باجگیری جمهوری اسلامی فعال شد تا روزنه نجاتی برای رهایی حمید نوری پیدا کنند.

ابتدا وزارت خارجه جمهوری اسلامی با فراخواندن سفیر سوئد در ایران، مراتب اعتراض رژیم جمهوری اسلامی را نسبت به دستگیری "غیر قانونی" حمید نوری اعلام کرد و خواستار آزادی فوری او شد. در روز پایانی دادگاه نیز خبرگزاری ایسنا به نقل از یک مقام "آگاه" اعلام کرد که حکم اعدام احمد رضا جلالی، پزشک و



برای آزادی معلمین و دستگیر شدگان اول ماه مه تلاش کنیم

روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) در سراسر جهان صدها هزار کارگر به همراه نیروهای چپ و کمونیست و مترقی، علیه نظام سرمایه‌داری و تهاجم گسترده آن به سطح معیشت و رفاه کارگران و استنثار فزاینده نیروی کار و نیز علیه جنگ طلبی و میلیتاریسم این نظام ویرانگر به خیابان‌ها آمدند. در ایران نیز هزاران کارگر به اشکال مختلف صدای اعتراض خود علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را رساتر نموده و جنبش اعتراضی خود را گسترش دادند و به همین خاطر تعدادی از فعالین کارگری و معلمین بازداشت شدند.

در مرکز اعتراضات امسال حضور پرشور جنبش سراسری معلمان بود که با وجود سیاست‌های پلیسی و امنیتی گسترده و دستگیری فعالین و سازمان‌دهندگان آن، این جنبش عقب ننشست و فرهنگیان برای طرح خواسته‌هایی چون همسان سازی و رتبه بندی مشاغل (با حقوق مکفی متناسب با همه نیازهای انسانی)، آموزش رایگان، آزادی تجمع و تشکل، آموزش زبان مادری، آزادی معلمین دربند و ... در بسیاری از شهرهای جامعه به خیابان آمدند. رژیم برای ایجاد رعب و وحشت، و ترس از گسترده‌تر شدن اعتراضات بیش از سی نفر از فعالین شوراهای صنفی فرهنگیان را در شهرهای: بوشهر، مریوان، سقز، تهران، مشهد، هریسن، اهواز، منطقه البرز، جلفا، الیگودرز، همدان، اراک، لنگرود و ... را دستگیر کرده است. وسعت دستگیری‌ها، نماد روشنی از یک جنبش سراسری و پدیداری کادرها و فعالین پیشرو آن است. اعتراض فرهنگیان با حمایت گسترده بازنشستگان، تشکل‌های کارگری، نیروهای چپ و کمونیست و مترقی و همه انسان‌های شریف و آزاده مواجه شده است.

شواهد نشان می‌دهند که با رشد اعتراضات و مبارزات کنونی در جامعه، امکان سامان دادن یک جنبش سراسری نیرومند، حول خواسته‌های مشترک، و برای نان، آزادی و رفاه و نیز آماج قرار دادن جمهوری اسلامی بیش از گذشته، فراهم شده است. تلاش‌های همبسته برای آزادی معلمین زندانی، فعالین کارگری و دیگر جنبش اجتماعی گام مهمی در این راستا است. هم اکنون لازم است از هر طریقی که می‌توانیم در داخل و خارج از جامعه برای آزادی آن‌ها تلاش کنیم. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن محکوم کردن این فشارها، خواهان آزادی بی قید و شرط همه دستگیرشدگان است.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم
چهارم ماه مه ۲۰۲۲ - چهاردهم اردیبهشت ۱۴۰۱
شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمونیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

مبارزه ادامه دارد، مستحکمتر و متحدتر

چندین انجمن و کانون صنفی معلمان از شهرهای گوناگون قرار گرفت. اعتصاب ۱۸ اردیبهشت با موفقیت انجام گرفت.

از مجموع بازداشتی‌های روزهای ۱۰ و ۱۱ اردیبهشت براساس آخرین اخبار منتشره تاکنون تعدادی آزاد شده و تنها ۱۱ نفر رسول بدایی، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی و علی‌اکبر باغانی در تهران، محسن عمرانی، محمود ملاکی، رضا امانی‌فر و اصغر حاجب در بوشهر، اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه در مریوان و هادی صادق‌زاده در مشهد هنوز در بازداشت بسر می‌برند.

همچنین اسماعیل عبدی معلم زندانی که از اول ماه مه دست به اعتصاب غذا زده است، در پنجمین روز از اعتصاب به زندان کجویی (در فریدس کرج) منتقل شد. براساس اخبار منتشره اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه نیز در اعتراض به بازداشت خود از همان روز دستگیری (اول ماه مه) دست به اعتصاب غذا زده‌اند. تاکنون ۵ زندانی سیاسی دیگر با اعلام حمایت از اسماعیل عبدی دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

اگرچه رژیم در این خیال بود که این‌گونه می‌تواند جنبش معلمان را به عقب براند و به این وسیله به آن‌ها اعلام کند که جمهوری اسلامی اعتراضات ادامه‌دار معلمان را تحمل نخواهد کرد، اما در همین چند روز کاملاً مشخص شد که رژیم نه تنها به هدف خود نرسیده، بلکه عملاً زمینه را برای اعتراضات بعدی معلمان فراهم‌تر ساخت.

"شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران" در همان روز اول ماه مه با انتشار بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم و بیان این‌که جمهوری اسلامی "باید به دومیلیون نفر فرهنگی بازنشسته و شاغل و خانواده‌های آن‌ها در قبال این بی‌قانونی صورت گرفته پاسخگو باشد" اعلام کرد که در دفاع از همکاران زندانی خود تجمعات اعتراضی برگزار خواهد کرد.

انجمن صنفی معلمان فارس نیز در بیانیه‌ای که به همین مناسبت منتشر کرد، نوشت: "گسترده‌گی و سببیت برخی برخوردها به حدی بود که می‌توان آن را با حمله‌ی وحشیانه‌ی پلیس در سال ۱۳۴۰ و به خون غلتاندن معلم شهید خانعلی قیاس نمود... همان‌گونه که بارها تکرار کرده‌ایم جنبش صنفی قائم به فرد نیست و این قبیل تهدیدها و بازداشت‌های غیرقانونی و غیرمندی هیچ خللی در مسیر حق‌طلبی جنبش صنفی

در صفحه ۹

معلمان که تازه در حال شکل‌گیری بود، بین هشت تا ده معلم را با ضرب و شتم دستگیر و در حالی که آن‌ها را بر روی زمین می‌کشیدند به ماشین‌های نیروی انتظامی منتقل کردند. در دیگر شهرها نیز اگرچه حضور نیروهای سرکوب رژیم محسوس بود، اما معلمان توانستند تجمعات خود را برگزار کنند که در برخی از شهرها همچون شیراز، رشت، سنندج و قزوین با استقبال وسیع معلمان روبرو گردید. در برخی از دیگر شهرها نیز در جریان تجمع و یا بعد از تجمع چند تن از شرکت‌کنندگان دستگیر شدند، از جمله در مشهد که یک معلم بازنشسته و یک نفر از اولیای دانش‌آموزان که قطعنامه این روز را قرائت کرده بودند، بعد از تجمع دستگیر شدند.

اما تهدید و ارباب معلمان از سوی طبقه حاکم به این جا ختم نشد و همزمان تعدادی از معلمان فعال در تشکلهای به دادگاه احضار شدند. در سقز برای ۱۰ معلم در دادسرا پرونده تشکیل شد از جمله صلاح سرخی که دستگیر شده بود. در همدان نیز برای دو معلم به نام‌های وحید گودرزی و ایرج انصاری پرونده تشکیل و به دادگاه ارسال شد. در کرمانشاه نیز برای دو تن از اعضای انجمن صنفی فرهنگیان کرمانشاه پرونده قضایی تشکیل و به دادگاه ارسال گردید. در قزوین ۷ تن از فعالان کانون صنفی فرهنگیان با پیامک به دادگاه احضار شدند.

اما سیاست چماق رژیم با تمام شدت آن نیز نتوانست معلمان را به عقب براند. در برخی از شهرها معلمان در حمایت از همکاران بازداشتی خود دست به تجمع و اعتراض زدند. در بوشهر در پی تجمع معلمان در حمایت از دستگیرشدگان، هشت معلمی که در تجمع اعتراضی دستگیر شده بودند آزاد شدند اما قرار بازداشت ۴ معلم دیگر تمدید شد. در الیگودرز در روز ۱۲ اردیبهشت معلمان با خواست آزادی ابراهیم محمودی دست به تجمع زدند. در سنندج معلمان خواستار آزادی صلاح سرخی معلم بازداشتی شدند. "انجمن صنفی معلمان کوردستان - مریوان" نیز با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که در صورت عدم آزادی مسعود نیکخواه و اسکندر لطفی در روز یکشنبه ۱۸ اردیبهشت در مدارس دست به اعتصاب زده و روز دوشنبه نیز در برابر اداره آموزش و پرورش دست به تجمع خواهند زد. اطلاعیه‌ای که مورد حمایت

کارگران شاغل و بازنشسته به مناسبت این روز برگزار می‌کنند، دستگیری، احضار و تهدید فعالان کارگری و معلمان را آغاز کرد. مزدوران جمهوری اسلامی صبح روز دهم اردیبهشت در استان تهران به منازل ۴ تن از فعالان جنبش معلمان جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، علی‌اکبر باغانی و رسول بدایی یورش برده و ضمن دستگیری آن‌ها برخی از لوازم شخصی از جمله موبایل و کامپیوتر آن‌ها را ضبط کردند. صبح روز یکشنبه حوالی ساعت ۴ تا ۷ صبح نیز منزل برخی دیگر از فعالان جنبش معلمان همچون اسکندر لطفی (سخنگوی شورای هماهنگی) و مسعود نیکخواه در مریوان، صلاح سرخی در سقز و رضا مسلمی در همدان یورش بردند. همچنین چند تن دیگر از معلمان از جمله منصوره عرفانیان (مشهد)، مسعود فرهیخته (استان البرز)، محمودی (الیگودرز)، علی‌حاجی (جلفا)، محسن عمرانی، محمود ملاکی، رضا امانی‌فر و اصغر حاجب (بوشهر) پیش از برگزاری تجمع دستگیر شدند.

در تهران، مزدوران جمهوری اسلامی در لباس نیروهای ضد شورش و عوامل سپاه و اطلاعات در لباس شخصی، ایستاده یا سوار بر موتور، اطراف میدان بهارستان و خیابان‌های منتهی به آن و نیز مترو بهارستان را قرق کرده و با تهدید و ارباب حتماً مانع توقف در آن اطراف می‌شدند. به همین دلیل تعداد محدودی از معلمان شاغل و بازنشسته در پارک‌های آن منطقه مدت کوتاهی در کنار یکدیگر جمع شدند. براساس گزارش منتشره در کانال تلگرامی سندیکای کارگران شرکت واحد، تعدادی که عمدتاً از بازنشستگان کشوری و نامین اجتماعی بودند، در این روز توسط نیروهای سرکوبگر رژیم دستگیر شده‌اند.

در مریوان نیز از همان ابتدا نیروهای سرکوب رژیم که بخشی از آن‌ها نقاب بر چهره داشتند، تمامی خیابان‌ها و کوچه‌های اطراف اداره آموزش و پرورش شهر و حتماً خود اداره را به تسخیر درآورده و مانع عبور عابران می‌شدند. در پی شکل‌گیری نطفه‌های تجمع معلمان، نیروهای سرکوبگر با باتوم و شوکر به آن‌ها یورش برده، تعدادی از معلمان را مورد ضرب و شتم قرار داده و حداقل دو نفر از آن‌ها را دستگیر کردند.

در بوشهر نیز با یورش وحشیانه به تجمع

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

مبارزه ادامه دارد، مستحکمتر و متحدتر

نقطه‌ی غیرقابل بازگشت رسیده و روز به روز بر تعداد کارد به استخوان رسیده‌هایی که به صفوف مبارزه می‌پیوندند بیشتر می‌شود.

اطلاعیه "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" برای تجمع سراسری در روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت که در روز شنبه ۱۷ اردیبهشت منتشر گردید، یکی از جلوه‌های همان رسیدن به نقطه‌ی غیرقابل بازگشت است. نتیجه‌ی سرکوب وحشیانه رژیم در اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، فراخوان تجمع سراسری ۲۲ اردیبهشت معلمان شد. "شورای هماهنگی" در اطلاعیه خود اعلام کرد که تجمع ۲۲ اردیبهشت را با محوریت ویژه حمایت از معلمان بازداشتی و زندانی، و همچنین اعتراض به عدم اجرای رتبه‌بندی معلمان، همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، پولی‌سازی آموزش و حق آموزش رایگان و با کیفیت برای تمامی کودکان برگزار خواهد کرد.

نکته دیگری که باید بر آن کمی درنگ کرد، بیانیه "اتحادیه تشکل‌های کامیون‌داران و رانندگان سراسر ایران" در حمایت از معلمان است، آنها در بیانیه خود هشدار دادند که در صورت عدم آزادی معلمان دربند، رانندگان و کامیون‌داران دست به اعتصاب و تجمع سراسری خواهند زد. جمهوری اسلامی به جای تن دادن به خواست‌های معلمان از جمله آزادی معلمان دربند، اجرای رتبه‌بندی بدون حقه‌بازی، همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و آموزش رایگان و با کیفیت، سرکوب را انتخاب کرده است، اما همین سیاست در شرایط انقلابی کنونی، کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه را به هم نزدیکتر و متحدتر می‌سازد که اول ماه مه امسال و یا بیانیه کامیون‌داران و رانندگان، مثال‌هایی روشن از درک هرچه بیشتر این ضرورت در سطوح مختلف جامعه است، اتحادی که منجر به تعمیق مبارزه شده و این‌گونه جمهوری اسلامی را به پایان خط نزدیکتر می‌کند.

صنفی معلمان و اساسا جنبش معلمان، همان‌طور که در بیانیه انجمن صنفی معلمان فارس آمده نباید و نمی‌تواند قائم به فرد باشد. باید در پی دستگیری اعضای کانون‌های صنفی کسانی باشند که به سرعت خلاء عدم حضور آنها را پر کرده به‌نحوی که اساسا این خلاء احساس نشود، این‌گونه حتا حربه دستگیری و به زندان کشیدن فعالان صنفی نیز از رژیم گرفته می‌شود. چرا که در آن صورت تنها نتیجه‌ی دستگیری فعالان صنفی برای حکومت، رادیکال‌تر شدن اعتراضات خواهد بود.

درس دوم را می‌توان از تجربه تجمع اول و یازده اردیبهشت تهران گرفت. بدون تردید جلوگیری از تجمع در تهران در شرایط بحرانی کنونی، برای رژیم از اهمیتی بسیار بالا برخوردار است و برای همین بیشترین حضور نیروهای امنیتی و شدیدترین جو سرکوب را در تهران شاهد هستیم. هم در اول اردیبهشت که حدود ۷۰ نفر دستگیر شدند و هم در روز جهانی کارگر، تعدادی از معلمان شاغل و بازنشسته وقتی با مانع نیروهای سرکوب مواجه شدند، به پارکها مراجعه کرده و در آنجا تجمع کوتاه و کوچکی برگزار کردند. از این موضوع می‌توان این نتیجه را گرفت که خوب است در رابطه با مکان تجمع، آلترناتیو‌هایی وجود داشته باشد که در صورت حضور پُررنگ نیروهای سرکوب در مکانی که از پیش اعلام شده، معلمان و حامیان آنها به سرعت خود را در مکان دیگری سازماندهی کرده و تجمع اعتراضی خود را برگزار کنند، همان‌طور که در مواردی معلمان از این روش در دهه‌ی ۸۰ بهره گرفته بودند. واقعیت انکارناپذیر همان‌طور که در بالا و به نقل از بیانیه انجمن صنفی فرهنگیان فارس آمده، این است که مبارزات توده‌های ستمدیده‌ی ایران برای کار، نان و آزادی به

معلمان به وجود نخواهد آورد. رشد و بالندگی این جنبش از جایی آشکار می‌گردد که هر روز در گوشه‌ای از ایران زمین جنبش صنفی با پای‌فشاری بر حقوق حقه‌ی خود نضج می‌گیرد و پرچم عدالت‌طلبی از هر کوی و برزن بلند گردیده است. آری کارد به استخوان رسیده‌ها در اثر سیاست‌های نابخردانه‌ی حاکمیت روز به روز بیشتر می‌شوند. اینک جنبش‌های عدالت‌طلبانه در ایران به نقطه‌ی غیر قابل بازگشت رسیده است و این جنبش‌ها به خاموشی نخواهند گرایید و روز به روز فروزان‌تر خواهند شد". کانون صنفی فرهنگیان گیلان و انجمن صنفی معلمان کوردستان (سنندج - کلاترزان) نیز در بیانیه‌های خود ضمن محکوم کردن اقدام رژیم، آمادگی خود را برای دفاع از معلمان زندانی با برگزاری تجمعات اعتراضی اعلام کردند.

واقعیت این است که با توجه به شرایط انقلابی حاکم بر جامعه، سرکوب نمی‌تواند مانند دوران رکود، حاکمیت را به اهداف خود برساند. حتا می‌توان گفت که در مواردی می‌تواند نتیجه عکس برای حکومت داشته باشد. تحسین مصطفی یکی از معلمان مریوان که در جریان تجمع معلمان در این شهر در اول ماه مه به شدت مورد ضرب و شتم نیروهای سرکوب رژیم قرار گرفت، در دل‌نوشته‌ای بر این تاکید می‌کند که دیگر نه تنها از باتوم و شوکر بلکه از گلوله نیز ترسی نیست، مهم تن ندادن به تحقیریست که حاکمیت در حق معلمان و دیگر مردم روا داشته است. او می‌نویسد: "درد باتوم و شوکر اصلا درد نیست فقط تلخ است. این‌گونه است که تو عادت می‌کنی به درد، این‌گونه است که تو می‌شوی سنگ تپیا خورده‌ی روزگار و لولی‌وش مغموم. روز ۱۱ اردیبهشت در روز کارگر یا روز معلم و هر مناسبتی باتوم و شوکر هم اگر بخوری تحفه‌ای است. بله باتوم و شوکر خوردم اما درد ندارم و جالب تر، از باتوم و شوکر و گلوله نمی‌ترسم ترسم ریخت... طعم درد طعم ترس و همه طعم‌ها قابل تحمل هستند، اما طعم تحقیر نه، طعم تحقیر از بس که تلخ است کشنده است".

البته از ۱۱ اردیبهشت امسال می‌توان دو درس نیز گرفت، مواردی که بی‌شک معلمان پیشرو از اهمیت آنها آگاه هستند، اما مهم است که قدری بر آن مکت کنیم.

یکی از اهداف رژیم از دستگیری‌ها و پرونده‌سازی برای فعالان تشکل‌های صنفی معلمان، ناتوان کردن این تشکل، و قطع ارتباط فعالان این تشکل‌ها با بدنه معلمان است. به همین دلیل مهم است که تشکل‌های



مبارزه ادامه دارد، مستحکمتر و متحدتر

اردیبهشت (روز معلم در ایران) کردند، بیانگر درک روشن بخش پیشرو معلمان از ضرورت و اهمیت اتحاد تمامی ستمدیدگان جامعه - بویژه در شرایط کنونی - است. حرکتی که چشم‌انداز جدید و روشنی را در زمینه گسترش اتحاد عمل‌های واقعی در میدان مبارزه، پیش‌ارو کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه ترسیم کرد.

جمهوری اسلامی نیز از همین‌رو و از وحشت گسترش اتحاد بین ستمدیدگان جامعه، واکنشی بسیار شدیدتر از دفعات گذشته از خود نشان داد. جمهوری اسلامی با واکنش خود اگرچه توانست از میزان اعتراضات و تجمعات کارگران، معلمان و بازنشستگان در این روز بکاهد و شعارهای مخصص طبقه کارگر در اول مامه مه

تحت‌الشعاع این موضوع قرار گرفتند، اما حضور معلمان در بیش از ۵۰ شهر شکست دیگری را برای جمهوری اسلامی در عقبراندن جنبش معلمان و به عبارتی دیگر جنبش ستمدیدگان جامعه علیه طبقه حاکم رقم زد. جمهوری اسلامی همچنین نتوانست مانع پژواک خروشان شعار "کارگر، معلم، اتحاد، اتحاد" در فضای جامعه‌ی ستم‌زده ایران شود.

در پی فراخوان "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" برای تجمع در اول ماه مه به منظور پیگیری خواست‌های برحق معلمان، جمهوری فاشیستی اسلامی برای ممانعت از برگزاری این تجمعات و نیز تجمعاتی که عموماً

در صفحه ۸

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

kar.fadaianaghaliyat

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 969 May2022



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: shora.tv@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی